

# اسلام و حقوق اقلیتها

محمدتقی نظری

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

## چکیده

آیین اسلام از همان ابتدا یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان را به عنوان اقلیت دینی در جامعه اسلامی به رسمیت شناخت و پیروان خویش را به رعایت احترام و حقوق آنان فرمان داد. مسلمانان نیز در طول تاریخ هر جا زمام امور را در دست داشتند، حقوق اقلیتهای مزبور را رعایت می‌کردند. حقوق و تعهدات این گروه‌ها از همان آغاز تحت عنوان پیمانی به نام «ذمه» شناخته می‌شد. اقلیتها در این پیمان تعهداتی را نسبت به دولت اسلامی می‌پذیرفتند و در مقابل، دولت اسلامی تکالیفی مانند برقراری امنیت، تأمین آزادی در دین، مراسم مذهبی، مسکن، شغل و غیره را به عهده می‌گرفت. در مقاله پیش رو این موضوع تحت عنوان اسلام و حقوق اقلیتها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: حقوق، ذمه، تعهدات، پیمان

## مقدمه

تا زمانی که پیامبر اسلام در مکه حضور داشتند و اسلام سررشته امور را به دست نگرفته بود بسیاری از موارد مربوط به حکومت اسلامی نمایان نمی‌شد، اما بعد از هجرت ایشان به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، آن موارد نمایان گردید و ناگزیر باید برای آنها چاره‌ای اندیشیده می‌شد. موضع‌گیری و رفتار حکومت اسلامی با غیر مسلمانان یکی از آن موارد بود؛ زیرا برخی از آنان با اسلام سر جنگ داشتند و برخی دیگر در عین عدم پذیرش اسلام، حاضر به زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان بودند. از سوی دیگر این دو گروه یا مشرک بودند یا پیرو یکی از ادیان الهی به شمار می‌آمدند. همچنین آنان یا در قلمرو حکومت اسلامی زندگی می‌کردند و یا خارج از حدود و ثغور حکومت اسلامی به سر می‌بردند. پیامبر (ص) به نسبت دوری و یا نزدیکی هر یک از این گروه‌ها با اصول و مبانی اسلام موضع مناسبی در برابر آنان اتخاذ می‌نمود و بر اساس موضع اتخاذ شده با آنان رفتار می‌کرد. یکی از این گروه‌ها پیروان ادیان الهی گذشته یعنی یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان بودند که منظور از اقلیت در این مقاله همین سه دسته‌اند. آنان اگر اسلام را می‌پذیرفتند مانند سایر مسلمانان از حقوق و تکالیف برخوردار می‌شدند اما اگر با مسلمین به جنگ می‌پرداختند با آنان مقابله به مثل می‌شد، ولی در مورد گروهی از آنان که نه اسلام می‌آوردند و نه به جنگ می‌پرداختند، بلکه خواهان زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان می‌شدند، پیامبر اسلام اقدام به انعقاد پیمانی موسوم به «ذمه» با آنان می‌نمود. در آن پیمان تعهداتی برای هر یک از طرفین در نظر گرفته شده بود که موظف به رعایت آنها بودند. بعد از پیامبر (ص) با توجه به فتوحات مسلمین و گسترش قلمرو آنان و به منظور تعامل با پیروان ادیان مذکور، حاکمان مسلمان بر رعایت حقوق آنان بر اساس

پیمان ذمه پای فشردند؛ تا آنجا که در جهان آن روز همگان به رعایت حقوق اقلیتهای دینی از سوی مسلمین اذعان داشتند.

### قرارداد ذمه

ذمه در لغت به معنای عهد و پیمان است و در قرآن کریم نیز به همین معنا وارد شده است: «لایرقبون فی مؤمن الّا و ذمه» مشرکان درباره هیچ مؤمنی قرابت و پیمانی را رعایت نمی کنند. (توبه / ۱۰) در حقوق اسلامی پیمانی را ذمه گویند که برای پایان دادن به خصومت و دشمنی میان دولت اسلامی و اهل کتاب، یعنی پیروان حضرت موسی، عیسی و زرتشت منعقد می شود.<sup>(۱)</sup> به هر یک از این افراد پس از عقد قرارداد ذمه «اهل ذمه» یا «ذمی» گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۳۲۴) نکته قابل توجه درباره قرارداد ذمه این است که اختصاص آن به گروه‌های سه گانه یهودی، مسیحی و زرتشتی بدان معنا نیست که مصالحه در اسلام جز با گروه‌های نامبرده مشروع نمی باشد. تحکیم صلح در اسلام به وسیله قراردادهای مختلفی پیش‌بینی شده است که هر کدام در مورد معین و محدود و طبق قانون خاصی منعقد می گردد. قرارداد ذمه که با اهل کتاب منعقد می شود، یکی از انواع قراردادهای صلح است؛ چنانکه پیمان صلح حدیبیه که با مشرکین مکه منعقد شد، نوع دیگری از آنها بود. نکته دیگر اینکه شارع اسلام در میان همه ادیان، سه دین مذکور را به رسمیت شناخته و قرارداد ذمه را با شرایط خاص آن، فقط با آنان منعقد می کند. لازم به ذکر است در بسیاری از موارد افرادی از اهل ذمه به دلیل حسن سلوک مسلمانان و تأثیر از رفتار و منش آنان به اسلام گرایش پیدا می کردند.<sup>(۲)</sup>

## شرایط ذمه

در هر پیمانی که طرفین از روی اختیار به انعقاد آن مبادرت می‌ورزند، مجموعه‌ای از تعهدات و حقوق مورد توافق قرار می‌گیرد. در پیمان ذمه که یک طرف آن دولت اسلامی و طرف دیگر اهل کتاب هستند، برای هر یک از طرفین، حقوق و تعهداتی در نظر گرفته شده است. در اینجا ابتدا به تعهدات اهل کتاب که در کتب فقهی تحت عنوان «شرایط ذمه» ذکر شده است می‌پردازیم.

مرحوم شیخ طوسی در این باره می‌گوید: شروط در عقد ذمه دو دسته‌اند:

۱- شروطی که انجام آن ضروری است مانند التزام به احکام مسلمین که باید در قرارداد درج گردد و در صورت غفلت از قید آنها پیمانی منعقد نمی‌شود.

۲- شروطی که ترک آنها ضروری است و خود دارای سه بخش هستند:

الف) مواردی که منافی پیمان است مانند اجتماع برای جنگ با مسلمین. بدیهی است انجام چنین کاری چه در قرارداد ذکر شده و یا ذکر نشده باشد موجب نقض پیمان است؛ زیرا پیمان ذمه اقتضا می‌کند هر یک از طرفین از سوی طرف دیگر در امان باشد.

ب) مواردی که موجب زیان مسلمین است مانند جاسوسی علیه آنان. درباره ارتکاب این موارد از سوی اهل ذمه به قرارداد مراجعه می‌شود و در صورت شمول قرارداد، موجب نقض پیمان می‌گردد. در غیر این صورت پیمان نقض نمی‌شود؛ اما برای مرتکب آن حد و تعزیر در نظر گرفته شده است.

ج) مواردی که طی آن منکری اظهار می‌شود که زیانی برای مسلمین ندارد مانند شرابخواری در میان مسلمانان این موارد خواه در قرارداد به آن اشاره شده یا نشده

باشد، موجب نقض پیمان نمی‌گردد؛ اما موجب حد یا تعزیر خواهد شد. (شیخ طوسی، ۱۴۱۲ق: ۴۴)

در این قسمت بر اساس دسته‌بندی فوق، شرایط یا تعهدات اهل ذمه را ذکر می‌کنیم:

۱- پرداخت جزیه به میزانی که امام (ع) یا حاکم اسلامی به صورت سرانه یا بر زمینها یا هر دو مورد و غیر اینها و یا حتی جمیع آنها معین می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۹۰ق: ۵۰۱)

منظور از جزیه یک نوع تعهد مالی است که از سوی اهل ذمه به حکومت اسلامی پرداخت می‌شود. پرداخت جزیه هر چند موجب می‌گردد توهم باج‌خواهی مسلمانان یا مجازات اهل کتاب به دلیل عدم پذیرش اسلام مطرح گردد؛ اما اگر ضوابط مربوط به پرداخت کنندگان و نیز رفتار حاکمان اسلامی با اهل ذمه مورد بررسی قرار گیرد، نادرستی این توهم اثبات می‌شود. به عنوان نمونه به چند مورد از این مقررات اشاره می‌گردد:

- جزیه از کودکان، زنان، دیوانگان و بنا بر قولی از پیرمردان گرفته نمی‌شود و همچنین از فقیر تا هنگام تمکن مالی چیزی دریافت نمی‌گردد. (محقق حلی، ۱۴۰۹ق: ۲۵۰)

- برای جزیه حدی معین نشده است و امام به تناسب توان مالی جزیه می‌گیرد. روایت شده که علی (ع) به عنوان جزیه از ثروتمندان ۴۸ درهم، از متوسط‌ها ۲۴ درهم و از فقرا ۱۲ درهم می‌گرفتند. (شیخ طوسی ۱۴۱۲ق: ۳۸) نقل شده است که مردی نابینا و مسن مشغول گدایی بود. علی (ع) که از آنجا می‌گذشت به اطرافیان فرمود: این چه وضعی است؟ (چرا این فرد گدایی می‌کند) آنان گفتند او فردی مسیحی (ذمی) است. امام (ع) فرمود: از او کار کشیدید تا پیرو فرتوت شد و اکنون

او را به حال خود رها کرده‌اید! سپس دستور دادند از بیت‌المال برای او حقوق قرار دهند. (حر عاملی، ۱۴۰۳: ق: ۴۹)

دلیل اخذ جزیه از اهل ذمه را می‌توان اینگونه توضیح داد: تأمین امنیت و تمشیت امور جاری یک ملت با بودجه و امکانات مالی میسر می‌گردد که یکی از رایج‌ترین راه‌ها برای تأمین آن، اخذ مالیات از شهروندان است. دولت اسلامی این مالیات را از مسلمانان تحت عناوینی مانند زکات، خمس و غیره اخذ می‌کند. بدیهی است اهل ذمه نیز باید سهم خود را از این مالیات به دولت اسلامی بپردازند. این در حالی است که اهل ذمه برخلاف شهروندان مسلمان هیچ تعهدی برای اعزام نیرو به جنگها نداشته‌اند. ادوارد براون در این باره می‌گوید: گبر، ترسا و یهود اجازه داشتند آیین خود را نگاه دارند و فقط باید جزیه می‌دادند و این ترتیب کاملاً عادلانه بود؛ زیرا آنان از شرکت در جنگها و دادن خمس و زکات که بر امت پیامبر واجب بود، معاف بودند. (مطهری ۱۳۶۲: ۱۰۴)

۲- التزام به احکام مسلمین. منظور از این شرط احترام به ضوابط و قوانین اسلام و پذیرش احکامی بود که از سوی محاکم اسلامی درباره اهل ذمه صادر می‌شد. به عبارت دیگر همانطور که شهروندان مسلمان به ضوابط و قوانین اسلامی احترام می‌گذارند و در مقابل احکام دادگاه‌های اسلامی خاضعند، اهل ذمه نیز باید چنین کنند. منظور از واژه صاغرون در آیه (حتی یوتوالجزیه عن یدوهم صاغرون) (توبه/ ۲۹) برخلاف نظر بعضی که آن را خوار و خفیف شمردن اهل ذمه می‌دانند، همین شرط به معنی التزام به احکام مسلمین و نیز التزام به اجرای آنها از سوی متعهد می‌باشد. (نجفی، ۱۳۷۴: ۲۴۷)

(بدون ذکر این دو شرط در قرارداد، پیمان ذمه منعقد نمی‌شود)

- ۳- پرهیز از هر گونه فعالیت نظامی مانند تجمع برای جنگ با مسلمین. عدم رعایت این شرط موجب نقض پیمان می‌شود.
  - ۴- اجتناب از عمل منافی عفت با زنان مسلمان.
  - ۵- اجتناب از ازدواج با زنان مسلمان.
  - ۶- خودداری از تلاش برای منحرف ساختن شهروندان مسلمان از دینشان.
  - ۷- پرهیز از ایجاد ناامنی در راه‌ها.
  - ۸- پرهیز از هر گونه فعالیت برای ایجاد کاستی در قلمرو مسلمانان که به نفع دشمن آنان باشد.
  - ۹- عدم انتقال اخبار و اطلاعات مسلمین به دشمن آنان.
- عدم رعایت شش شرط اخیر، در صورت ذکر در قرارداد موجب نقض عهد می‌شود و در غیر این صورت فقط موجب حد و تعزیر می‌گردد. (شیخ طوسی، ۱۴۱۲ ق: ۴۹)
- ضمناً اهل ذمه باید از اظهار منکراتی مانند شرابخواری و امثال آن نیز پرهیز می‌نمودند و در غیر این صورت حد یا تعزیر درباره متخلف جاری می‌شد.

### تعهدات دولت اسلامی

چنانکه گذشت در برابر تعهدات اهل ذمه، دولت اسلامی نیز متعهد به اموری بود که باید به آنها عمل می‌کرد. معمولاً طرفهای قرارداد با مسلمین از این بابت آسوده خاطر بودند، زیرا اصولاً در آیین اسلام نسبت به وفای به عهد و پابندی به تعهدات، سفارشهای زیادی شده است. به عنوان نمونه به این سخن علی (ع) به مالک اشتر توجه نمایید: هرگاه بین خود و دشمن قرار دادی منعقد نمودی یا به او تعهدی

سپردی، به پیمان خویش وفا کن و تعهدات خود را با کمال امانت مراعات نما و جان خود را سپری برای حفظ تعهدات قرار ده؛ زیرا در میان واجبات الهی برای مردم با همه اختلاف در آرا و افکار چیزی مورد وفاق و بزرگتر از وفای به عهد و پیمانها نیست. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) اکنون با توجه به اهمیت وفای به تعهدات از سوی دولت اسلامی چند مورد از حقوق اهل ذمه برمی شماریم.

### امنیت داخلی و خارجی

امنیت برای جوامع انسانی امری ضروری است، زیرا همه فعالیت‌های بشری بر آن استوار می‌گردد. بدون امنیت هیچ رشد و پیشرفتی برای جامعه قابل تصور نیست و بدیهی است که مهمترین وظیفه یک دولت نسبت به شهروندانش ایجاد امنیت برای آنان است. این تعهد برای دولت اسلامی شامل دو بخش داخلی و خارجی است. همه شهروندان کتابی و هم پیمان در سر تا سر قلمرو حکومت اسلامی از هر گونه تعدی و سوء قصد به جان، مال و ناموس در امان و مورد حمایت هستند و در مقابل هر گونه تجاوز دشمنان خارجی مورد حمایت همه جانبه مسلمانان خواهند بود. ویل دورانت مواردی از پیمان پیامبر (ص) با یهودیان مدینه را چنین ذکر می‌کند:

- در موقع لزوم، مسلمین یهود را نصرت و حمایت خواهند نمود.

- یهودیان با ساکنین مدینه یک ملت محسوب می‌شوند.

- از قبایل هم پیمان با یهود حمایت به عمل خواهد آمد.

- اگر کسی به یکی از یهودیان تعدی نمود، مسلمین تعاقب نموده و او را قصاص

خواهند نمود. (پاینده، ۱۳۸۰: ۲۱۴)



مواد مندرج در پیمان فوق‌گویی تأمین امنیت یهودیان متعهد و حتی هم‌پیمانانشان از سوی مسلمین است علاوه بر آنچه در قراردادها درباره تعهد نسبت به امنیت جان و مال اهل ذمه به چشم می‌خورد، روش و توصیه بزرگان دین نیز بر این موضوع تأکید فراوان دارد. به عنوان نمونه: علی (ع) در حادثه‌ای که طی آن نسبت به یک زن ذمی تحت حمایت حکومت اسلامی ستمی صورت گرفت از روی خشم می‌فرماید: به من خبر رسیده مردی از لشکر شام به خانه زنی که در پناه حکومت اسلامی قرار داشته، وارد شده و خلخال، دستبند و گوشواره‌های او را به غارت برده است. اگر مسلمانی به دلیل این حادثه از روی تأسف بمیرد نباید ملامت شود، بلکه این نزد من سزاوارتر است. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷)

نکته جالب درباره امنیت اهل ذمه این است که مسلمانان حتی مسئول امنیت چیزهایی مثل خوک و مشروبات الکلی متعلق به آنان که در اسلام حرام است نیز بوده‌اند؛ البته این در صورت عدم اظهار از سوی آنان می‌باشد. علامه حلی در این باره می‌گوید: کسی نباید متعرض مشروبات الکلی و خوکهای آنان (در صورت عدم اظهار) بشود و اگر کسی مشروبات و خوکهایشان را - در صورتی که میان مسلمین ظاهر نمی‌کنند - از بین ببرد، قیمت آنها را باید پردازد و اگر این موارد را غصب کند باید بازگرداند. (حلی، ۱۴۱۰ ق: ۲۶۲)

### آزادی مراسم مذهبی

علاوه بر به رسمیت شناختن آیین و اعتقادات دینی اهل ذمه، تعهد دیگر دولت اسلامی عبارت از اعطاء آزادی انجام مراسم مذهبی بود. این تعهد به صراحت در برخی از قراردادها به چشم می‌خورد. در قرارداد مسلمانان با یهودیان مدینه آمده

است که یهود در انجام اعمال دینی همچون مسلمانان آزاد خواهند بود. (ویل دورانت، ۱۳۸۰: ۲۱۴)

طبق این قراردادها اقلیتهای مذهبی هم پیمان در سراسر سرزمینهای اسلامی مجاز به برگزاری آزادانه مراسم و برپایی مجالس دینی بودند. با توجه به این امتیاز می توانستند با آزادی و امنیت، بدون تعرض هیچیک از افراد جامعه به برپایی مراسم دینی در معابد خود بپردازند. در بعضی از حکومتها آزادیهایی در این موارد داده می شود، اما برای کنترل اوضاع، افراد دست نشانده‌ای را به عنوان رهبران دینی منصوب می کنند. در پیمان با اهل ذمه نه تنها چنین چیزی در نظر نیست، بلکه خلاف آن نیز مشاهده می شود. در قرارداد میان پیامبر (ص) و نصارای نجران چنین آمده است: هیچ کشیش یا زاهدی از کلیسا یا حومه آن اخراج نمی گردد و هیچگونه تحمیل یا تحقیری بر آنها نخواهد شد. همچنین اراضی آنها بوسیله لشکریان ما اشغال نخواهد شد. (قربانی، ۱۳۶۶: ۳۹۹)

پذیرش چنین تعهداتی و رفتار بر طبق آن از سوی حکومت اسلامی در زمانهای گذشته بی نظیر است. حکومتها در آن دوران به مردم اجازه آیینی غیر از آیین رسمی را نمی دادند؛ چه رسد به اینکه در انجام مراسم دینی به آنها آزادی بدهند. تاریخ نمونه‌های فراوانی از برخوردهای یهودیان و مسیحیان حاکم علیه یکدیگر و قتل و شکنجه آنان را ثبت نموده است.<sup>(۳)</sup> حتی در همین قرون اخیر قوانینی تصویب شد که گرایش از یک دین در مسند قدرت، گرایشهای دیگر از همان دین را از انجام مراسم مذهبی ممنوع می نمود.

در سال ۱۶۸۸ میلادی پارلمان انگلستان مذهب رسمی کشور را پروتستان اعلام نمود و مقرر داشت که هیچ مسیحی کاتولیکی حق ندارد در قلمرو حکومت انگلستان به مراسم مذهبی خود عمل کند. (زنجان، ۱۳۶۷: ۱۰)

با وجود این حاکمیت نویناد اسلامی، ادیان مورد بحث را به رسمیت شناخت و به آنان آزادی برگزاری مراسم مذهبی داد و بالاتر از آن حتی به علماء آنان اجازه داد تا درباره اعتقادات دینی خود با علماء اسلام به بحث و مناظره پردازند. در قرآن کریم در این باره آمده است که:

لاتجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن (عنکبوت / ۴۶) با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید. منظور از این آیه بحث و گفتگوهای منطقی است. مفهوم این جمله آن است که در این مناظره الفاظ شما مؤدبانانه سخنتان دوستانه، محتوای آن مستدل، آهنگ صدا خالی از فریاد و جنجال و هر گونه خشونت و هتک احترام باشد. (مکارم، ۱۳۶۳: ۲۹۹).

پیامبر اسلام (ص) و سایر پیشوایان دینی با علماء و دانشمندان اهل کتاب در موارد متعددی به مناظره پرداخته‌اند که در کتب مختلف از جمله منتهی الامال مرحوم شیخ عباس قمی مضبوط است.

### استقلال حقوقی - قضایی

هر ملتی احکام حقوقی - قضایی خاص خود را دارد. اهل کتاب نیز به عنوان پیروان ادیان الهی دارای مقررات و احکام حقوقی خاص خود بودند که طبق آن به حل مسائل و مشکلات قضایی خود می‌پرداختند. زمانی که اسلام آیین آنها را به رسمیت شناخت و طی پیمان ذمه به آنان آزادی مذهبی داد، احکام حقوقی - قضایی ناشی از آن مذاهب را پذیرفت. فیلیپ حتی در تاریخ عرب می‌گوید: اهل ذمه در مقابل پرداخت خراج و جزیه از تساهل دینی بهره‌وافر داشتند و حتی در مسائل حقوقی و همه امور قانونی جز در مواردی که به یک مسلمان مربوط می‌شد، پیرو رؤسای روحانی خود بودند. (قربانی، ۱۳۶۶: ۴۱۱)

علاوه بر رسمیت حقوق و قوانین خصوصی اهل ذمه از سوی دولت اسلامی، آنان در اختلافات و نزاعات قضایی به غیر از مواردی که یکی از طرفین مسلمان بود، در محاکم قضایی خود به حل و فصل دعاوی می‌پرداختند. (زنجانی، ۱۳۶۷: ۱۸۷) در حقیقت طبق پیمان ذمه استقلال قضایی آنان پذیرفته می‌شد. این میزان استقلال به هم پیمانان، موضوعی است که حتی امروزه با این همه پیشرفت در زمینه حقوق بشر کمتر دولتی حاضر به پذیرش آن است. در مواردی هم که یکی از طرفین مسلمان بود و در محاکم اسلامی طبق مقررات قضایی اسلام، به موضوع مورد اختلاف رسیدگی می‌شد، آنچه بیش از هر چیز اهمیت داشت رعایت عدالت بود. بنابراین اگر میان اهل ذمه خصومتی پدید می‌آمد، در محاکم قضایی خودشان مورد رسیدگی قرار می‌گرفت. در مواردی که پای یک مسلمان در میان بود، رسیدگی در محاکم قضایی اسلامی، آن هم بدون توجه به ذمی بودن آنان و صرفاً با رعایت عدالت صورت می‌گرفت. برای اثبات این ادعا نحوه رسیدگی به اختلافی میان عالی‌ترین مقام حکومت اسلامی و یکی از اهل ذمه را بیان می‌کنیم: هنگامی که حضرت علی (ع) زره خود را نزدیک مرد عادی مسیحی یافت، او را نزد یکی از قضات به نام شریح برد تا موضوع را در آنجا حل کنند. وقتی هر دو در برابر قاضی قرار گرفتند حضرت علی (ع) گفت: این زره من است. من نه آن را فروخته‌ام و نه به کسی بخشیده‌ام. قاضی نظر مسیحی را درباره ادعای پیشوای مسلمانان پرسید. او گفت: من امیرمومنان را دروغگو نمی‌دانم، اما این زره از آن من است. قاضی از علی (ع) پرسید: شما گواه یا دلیلی برای ادعای خود دارید؟ علی (ع) خندید و گفت: شریح راست می‌گوید و من گواهی ندارم. پس شریح حکم داد که زره مال مرد مسیحی است. مسیحی آن را گرفت و به راه افتاد؛ اما چند قدمی بیشتر نرفته بود که بازگشت و گفت: شهادت می‌دهم که این گونه داوری از داوریهای پیامبران است. پیشوای مسلمانان مرا نزد

قاضی می آورد و قاضی بر ضد او حکم می کند و او می پذیرد. سپس به علی (ع) گفت: به خدا زره از آن توست و من در ادعای خود دروغگو بودم. (جرdaq، ۱۳۷۵: ۱۱۷)

پس اسلام آورد و گفت که این زره را در راه صفین به دست آورده‌ام. علی (ع) از اسلام او شادمان گشت و زره و اسبی به او بخشید و او در جنگ نهروان در رکاب علی (ع) به شهادت رسید. (ابن الاثیر، ۱۴۰۵ ق: ۲۰۱)

## آزادی مسکن

اختیار در تعیین محل سکونت برای انسانها موضوعی بس مهم است، تا جایی که در دستگاه قضایی، مجازات سلب این اختیار معمولاً به صورت زندان یا تبعید در نظر گرفته می شود. البته زندان علاوه بر سلب آزادی مسکن تضيیقات دیگری نیز برای مجرم در پی دارد؛ اما تبعید تقریباً همان سلب آزادی محل سکونت است. به هر حال سلب این آزادی از شهروندان هم پیمان باعث سختی و مشقت آنان می گردد. از این رو اسلام در کنار سایر حقوق، اختیار تعیین محل سکونت برای اهل ذمه را به رسمیت شناخته است. آنان بعد از انعقاد پیمان با حکومت اسلامی مانند مسلمانان می توانند هر جایی از قلمرو دولت اسلامی - حتی در همسایگی مسلمانان - سکونت کنند. مسلمین نه تنها از این بابت ناراحت نبودند، بلکه آنان را به دلیل رعایت حقوقی همسایگی تکریم می کردند. به عنوان نمونه یکی از غلامان ابن عباس می گوید: روزی گوسفندی را سر بریدیم. ابن عباس به من گفت: همسایه یهودی ما را فراموش مکن! او چند بار این جمله را تکرار کرد، [تا جایی که] من به او گفتم: با اینکه او یهودی است چقدر سفارش می کنی؟ او در جواب گفت: پیامبر اسلام آنقدر در حق همسایه

به ما سفارش کرده است که بیم داشتیم آنان را جزء ورثه قرار دهد! (قربانی، ۱۳۶۶:

۴۰۳)

از آزادی مسکن اقلیتها موارد زیر قابل استنباط است:

- داشتن اقامتگاه دائمی و معین الزامی ندارد و تعیین محل اسکان در اختیار خودشان است. بنابراین آنان می‌توانند هر جا حتی در میان مسلمانان سکونت کنند.
- اقامتگاه آنان ممکن است متعدد باشد.
- هر وقت بخواهند می‌توانند محل اقامت خود را تغییر دهند و حتی از سرزمینهای اسلامی خارج کردند، (عمید زنجانی: ۱۹۸)

## آزادی اشتغال

گزینش شغل مورد علاقه نزد هر یک از افراد بشر حایز اهمیت است. انسانها می‌خواهند به کاری اشتغال ورزند که بدان علاقه مند بوده و استعداد انجام آن را داشته باشند. در حقیقت یکی از حقوق مسلم هر انسان، انتخاب شغل مطابق با علایق اوست. یکی از وظایف حکومتها به رسمیت شناختن آزادی اشتغال و فراهم آوردن امکانات لازم جهت ایجاد مشاغل مورد نیاز جامعه است. در اصل بیست و هشتم قانون اساسی کشورمان در این باره چنین آمده است: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

حکومت اسلامی در زمان پیامبر (ص) و بعد از آن این حق را برای همه افراد تحت قلمرو خود محترم می‌شمرد. بنابراین اهل ذمه مانند مسلمانان در انتخاب شغل

مورد علاقه خود، تا آنجا که مخالف مبانی اسلام و مصالح عمومی نبود، آزاد بودند. ورود به حوزه‌های مختلف از جمله تجارت، اقتصاد، تولید، خدمات و به طور کلی همه زمینه‌های مورد علاقه برای آنان آزاد بود. در تاریخ اسلام به موارد زیادی بر می‌خوریم که به وضوح نشان از رعایت آزادی اشتغال اهل ذمه از سوی مسلمانان دارد. به عنوان نمونه طبابت شغلی است که علاوه بر تخصص، نیاز فراوان به اعتماد مردم به شخص طبیب نیز دارد؛ چون او از بسیاری از اسرار مردم اطلاع پیدا می‌کند. با این حال تعداد زیادی از اهل ذمه عهده‌دار امر طبابت در جامعه اسلامی بوده‌اند. نکته قابل توجه درباره حق اشتغال اقلیتهای متعهد این است که هر چند حق انتخاب شغل از مقتضیات قرار داد ذمه بوده و مسلمین موظف به رعایت آن بودند، ولی چنانچه هنگام قرارداد در بعضی از موارد این حق با توافق طرفین با محدودیت‌هایی روبرو می‌شد، به همان میزان قابل تغییر و تبدیل می‌گشت.

### حق مالکیت

نظام حقوقی اسلام حق مالکیت را به صراحت پذیرفته و به کسی اجازه تعرض به اموال دیگران را نداده است. در این زمینه تفاوتی میان مسلمانان و غیر مسلمانان نیست، اما برای جلوگیری از هر گونه تجاوز نسبت به املاک اهل ذمه، مقرراتی از سوی شارع اسلام وضع شده است. همان‌طور که در بخش مربوط به امنیت داخلی و خارجی ذکر شد، دولت اسلامی علاوه بر فراهم نمودن امنیت نفوس و نوامیس اقلیتهای مسئول امنیت اموالشان نیز می‌باشد. علامه حلی در این باره می‌گوید: کسی نباید (حتی) متعرض مشروبات الکلی و خوکهای آنان - در صورت عدم اظهار - بشود و اگر کسی مشروبات و خوکهایشان را - در صورتی که میان مسلمین اظهار نمی‌کنند -

از بین ببرد، قیمت آنها را باید پردازد و اگر این موارد را غصب کند باید آنها را بازگرداند (حلی، ۱۴۱۰ق: ۲۶۲)

بنابراین هیچ مسلمانی حق نداشت اموال هم پیمانان ذمی را به بهانه حرام بودن در اسلام مورد تخریب و تزییع قرار دهد و در صورت نابود کردن آنها ضامن بود. بدیهی است وقتی نسبت به اشیاء حرام متعلق به اهل ذمه تا این اندازه حرمت نهاده می شود، به طریق اولی سایر اموال آنها مورد احترام قرار گیرد. نکته جالب اینکه حکومت اسلامی مجاز به اخذ جزیه آنان از بهای محرمات مانند شراب، خوک و مانند آنها می باشد؛ خواه بهای موارد یاد شده را مستقیماً پرداخت نمایند یا اینکه به خریدار، در صورتیکه از خودشان است، حواله دهند. (امام خمینی، ۱۳۹۰ق: ۵۰۰)

این نوع رفتار احترام آمیز نسبت به جان و مال اقلیتهای متعهد بود که نام نیکی از حکومت اسلامی را در سرتاسر جهان آن روز بر سرزبانها انداخته بود، تا جایی که به گفته ویل دورانت غالب مسیحیان، حکومت مسلمانان را بر حکومت مسیحیان ترجیح می دادند. (پاینده، ۱۳۸۰: ۳۸۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### اقلیتها در جمهوری اسلامی ایران

از آنجا که نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی مبتنی بر اصول و ارزشهای اسلامی است، به تبعیت از شارع اسلام پیروان ادیان سه گانه مذکور را به عنوان اقلیت دینی به رسمیت شناخته است.

در اصل سیزدهم قانون اساسی چنین آمده است: « ایرانیان زرتشتی، کلیمی، مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی



خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی می‌توانند بر طبق آیین خود عمل کنند.

در اصل چهاردهم همان قانون این‌طور وارد شده است: «به حکم آیه شریفه لاینهاکم... عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان... یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

چنان که پیداست در اصل سیزدهم بعد از به رسمیت شناختن اقلیتهای دینی سه گانه، بر انجام آزادانه مراسم دینی و نیز عمل بر طبق آیین خویش در احوال شخصیه و تعلیمات دینی تصریح شده است. جالب این که در اصل چهاردهم به منظور رعایت احترام آنان و برخورد عادلانه در روابط اجتماعی، حکومت اسلامی و شهروندان مسلمان موظف به داشتن اخلاق حسنه و رفتار توأم با قسط و عدل نسبت به آنان می‌شوند.

علاوه بر عنایت به حقوق اقلیتهای در قانون اساسی در قوانین عادی نیز بر این موضوع تأکید شده است. قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم، مصوب ۱۳۱۳/۴/۳۱ و نیز قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی که در تاریخ ۱۳۷۲/۴/۳ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید از این جمله‌اند. در قانون اخیر چنین آمده است: «نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم، مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که

مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان در دادگاه‌ها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد، تصحیح گردیده فلذا دادگاه‌ها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت‌نامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمه در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند.

بعد از این قانون نیز قوانین دیگری در مجلس شورای اسلامی تصویب شد که طی آن به حقوق اقلیتها توجه و عنایت بیشتری شده است.

گذشته از این موارد، مراعات احوال اقلیتها توسط حکومت و مردم حتی بیش از حدود مصرح در قوانین است و این خود باعث ایجاد امکان زندگی مسالمت‌آمیز برای طرفین گردیده است.

### نتیجه

با مرور مباحث گذشته می‌توان استنباط نمود که اسلام در مواجهه با ادیان و عقاید گذشته، آیین سه پیامبر بزرگ الهی یعنی موسی، عیسی و زرتشت را با همه تحریفاتی که در آنها ایجاد شده است، به خود نزدیکتر دیده و به همین جهت آنها را به رسمیت شناخته و حاضر به همزیستی با پیروان آنها شده است. برای تحقق بهتر این همزیستی از سوی اسلام پیمانی به نام «ذمه» ابداع گردید. البته این به معنای عدم پذیرش پیمانهای صلح‌آمیز با غیر از این سه گروه نیست؛ بلکه با آنان نیز تحت عناوینی غیر از قرارداد ذمه پیمان صلح منعقد شده است. در پیمان ذمه مانند سایر پیمانها حقوق و تعهداتی برای طرفین در نظر گرفته شده است. با بررسی مفاد این پیمان در کتب

تاریخی و نیز ضوابط و مقررات مربوط به آن در منابع اسلامی این نتیجه بدست می‌آید که اسلام و مسلمین پیوسته حقوق اقلیتها را محترم می‌شمردند و در رفتار با آنان جانب آسان‌گیری را مدنظر داشته‌اند و به همین دلیل معمولاً اقلیت‌های هم‌پیمان در اثر رعایت حقوق و رفتارهای مناسب مسلمانان و حاکمان مسلمان، حکومت اسلامی را بر حکومت‌هایی از کیش و آیین خود ترجیح می‌دادند.

پیمان ذمه و ضوابط مربوط به آن - با اینکه قرن‌ها از عمر آن می‌گذرد - به دلیل اصالت و ریشه‌دار بودنش هنوز هم مورد عنایت است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز اقلیت‌های مذکور را به موجب اصل سیزدهم قانون اساسی به رسمیت شناخته و برای رعایت حقوق آنان و رفتار مناسب مسلمانان و حکومت اسلامی نسبت به آنان قوانین متعددی به تصویب رسانده است. آنچه واقعیت دارد این است که اقلیت‌های مذکور در کمال احترام و آسایش به زندگی خود ادامه می‌دهند.

#### یادداشتها

- ۱- در مواردی هم پیمان مذکور صرفاً برای کسب تابعیت اهل کتاب و برخوردار شدن از حقوق شهروندی است، نه برای پایان دادن به خصومت و دشمنی البته پیمانی که برای رفع خصومت منعقد می‌شود، تابعیت و برخورداری از حقوق شهروندی برای اهل کتاب را به دنبال دارد.
- ۲- فردی ذمی با علی (ع) همسفر شد و از ایشان پرسید کجا می‌روی؟ حضرت فرمود: کوفه در پایان راه علی (ع) به جای رفتن به کوفه مقداری او را همراهی کردند. او گفت: چرا به سمت کوفه نمی‌روی؟ حضرت فرمود: پیامبران به ما یاد داده است که هرگاه با کسی همسفر شدید، هنگام جدایی چند گام او را مشایعت کنید. این عمل علی (ع) به اندازه‌ای آن شخص را تحت تاثیر قرارداد که باعث گرایش او به اسلام شد. (کلینی ۱۳۸۷: ق ۷۹۵)
- ۳- برای اطلاع بیشتر به کتاب اسلام و حقوق بشر مراجعه نمایید.

#### منابع فارسی

قرآن کریم.

امام خمینی، تحریر الوسیله، نجف، مطبعه الاداب، ۱۳۹۰ق.

- جر داق، جرج، امام علی الصوت العدالة الانسانیة، ترجمه خسرو شاهی، قم، نشر خرم.
- جرزی، ابن الاثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۵ ق.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، ۱۳۷۷.
- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- حلی، محقق، شرایع الاسلام، تعلیق صادق شیرازی، تهران، انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ ق.
- حلی، علامه، قواعد الاحکام، به نقل از نیایع الفقهیة، بیروت، مؤسسه فقد السیتعد، ۱۴۱۰ ق.
- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۸۰.
- طوسی، محمدبن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تصحیح و تحقیق محمد تقی کشفی، بیروت، دارالکتب الاسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی، اسلام و حقوق اقلیتها، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.
- عمید زنجانی، عباسعلی، اسلام و حقوق ملل، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- قانون اساسی.
- قربانی، زین العابدین، اسلام و حقوق بشر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۶.
- کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح سیدهاشم رسولی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل البیت، ۱۳۸۷ق.
- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تصحیح و تعلیق عباس فوجانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- نهج البلاغه.

